

بی‌سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد به‌طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده (۴۷۷) به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند» و طبق دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه مصوب سال ۹۷، با فعال کردن ظرفیت دفترهای خود در دادگستری استان‌ها، به پایش موارد محتمل‌النقض در حوزه حقوق عامه بپردازد و نه تنها با موارد واقع شده برخورد کند بلکه از وقوع موارد این‌چنینی جلوگیری کند.

بنابراین رویکرد پسینی و منفعل دادستانی در برخورد با موارد نقض حقوق عامه باید به رویکرد پیشینی و فعال تبدیل شود تا از تضییع حقوق عامه جلوگیری شود.

۴. لزوم مدیریت تصویر در قوه قضائیه بر اساس واقعیات

رسانه ابزاری است که اگر از آن به صورت مناسب و دقیق استفاده شود می‌تواند تصویری از یک واقعه یا نهاد یا شخص ارائه دهد که منشأ اثر در اذهان مردم شود. بدین جهت قوه قضائیه باید تصویر منتشر شده از خود در اذهان مردم را به صورت صحیح مدیریت کند و در این مسیر به افراط و تفریط نرسد. بدین نحو که اگر در این حوزه، اقدامات قوه قضائیه به صورت صحیح به اذهان مردم نرسد تصویری منفعل در ذهن‌ها ایجاد می‌شود و این تصور، اقتدار قوه قضائیه را دچار خدشه می‌کند زیرا به عنوان قوه قاهره نمی‌تواند در برابر مجرمین و متخلفین ایستادگی کند و از همراهی مردم برخوردار باشد. برای مثال در دوران ریاست سابق قوه قضائیه با توجه به اینکه عملکرد این قوه در این زمان قابل‌توجه بود، اما تصویری که در اذهان ایجاد شده و عده‌ای ایجاد کرده بودند، تصویری تقریباً منفعل و سیاسی بود به جای تصویری قضایی. به دلیل همین کم‌کاری در این حوزه اطلاع‌رسانی و مدیریت تصویر، رهبری در یکی از دیدارهای خود با رئیس قوه و کارکنان آن، مطلبی به این مضمون فرمودند که: ای‌کاش این مطالب با شیوه‌های مناسب به اطلاع عموم مردم برسد و برخی از این چیزهایی که شما بیان کردید من هم مطلع نبودم.

همچنین در این حوزه نباید ارائه تصویر به صورت کاریکاتوری و به صورت غیرواقعی و کاذب

باشد به طوری که مردم فرض کنند دستگاه قضایی در زمان حاضر به بالاترین حد مطلوبیت رسیده است در حالی که اینگونه نباشد؛ زیرا زمانی که فرد به مراجع قضایی مراجعه می‌کند و مشکلاتی را می‌بیند که باید طی زمان و به صورت تدریجی رفع شود و بر اساس تصویر ارائه شده در رسانه رفع شده ولی در واقع رفع نشده باشد، این موضوع باعث ضربه خوردن به اعتبار دستگاه قضایی خواهد شد و اطمینان مردم از بین خواهد رفت.

بنابراین مدیریت تصویر دستگاه قضایی باید ارائه تصویری بر اساس واقعیات باشد و فعالیت‌های انجام شده به سمع و نظر مردم برسد و مردم اقتناع شوند که دستگاه قضایی در حال برخورد با مفسدین و مجرمین است و در این مسیر با متخلفین و تضییع‌کنندگان حقوق مماشات نمی‌کند.

۵. پیشگیری از وقوع جرم با هماهنگی سایر نهادها بر اساس نقشه جامع پیشگیری از جرم

یکی از وظایف قوه قضائیه، طبق بند پنجم اصل ۱۵۶، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است. این وظیفه طبق قانون اساسی فقط بر عهده‌ی قوه قضائیه قرار داده شده است و قوه این وظیفه را نیز باید مانند وظایف دیگر انجام دهد به طوری که توازی بین

۹۹. پیشگیری از جرم و انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی امری ضروری در جهت کاهش جرم است و نیازمند عزم جدی توسط متولیان با محوریت قوه قضائیه است. ۶۶

۹۹. اصلاح قوانین باید به این صورت باشد که ابتدا مشکلات احصا شوند و سپس بر اساس مشکلات و نقایص به دنبال راه‌حل و سپس تقنین بپردازیم؛ زیرا نهادهایی که عملاً درگیر مشکلات هستند بسیار بهتر و دقیق‌تر نقایص، مشکلات و معضلات را درک می‌کنند و می‌توانند مقنن را در حل آن‌ها یاری نمایند. ۶۶

آن‌ها وجود داشته باشد؛ بنابراین وظیفه قوه قضائیه تنها محکمه‌داری نیست و باید در حیطه پیشگیری از جرم و به صورت پیشینی نیز باید فعالیت کند. درست است که محور انجام این وظیفه قوه قضائیه و معاونت پیشگیری از جرم قوه است، اما ماهیت پیشگیری از جرم ماهیتی فرا قوه‌ای است که نیازمند همراهی و وظیفه‌مند شدن سایر نهادهای مؤثر کشور مانند قوه مجریه (آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ)، صداوسیما، قوه مقننه، سپاه و... است. لذا باید یک تقسیم کار ملی، فرابخشی و فرادستگاهی در پیشگیری از وقوع جرم وجود داشته باشد و ذیل یک نقشه جامع، هر نهادی وظیفه خود را انجام بدهد و در صورت انجام ندادن وظیفه باید بازخواست شود.

بنابراین پیشگیری از وقوع جرم به عنوان یک اصل در نظام قانون‌گذاری و دستگاه قضایی کشور باید مطرح باشد؛ زیرا صرف مجازات کردن و به عقوبت رساندن توسط قوه قضائیه برای کاهش مجازات و جرایم کافی نیست.

در این جهت شورای عالی پیشگیری از جرم می‌تواند بستر مناسبی برای پیشبرد هدف پیشگیری از جرم باشد، زیرا نهادهای مختلف در این شورا حضور دارند و طبق قانون پیشگیری از وقوع جرم که مصوب سال ۱۳۹۰ است می‌توان وظایف هر نهادی را معین کرد و از آن بازخواست کرد.

بنابراین پیشگیری از جرم و انجام فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی امری ضروری در جهت کاهش جرم است و نیازمند عزم جدی توسط متولیان با محوریت قوه قضائیه است. لذا در این حوزه باید نقاط فسادزا و جرم‌خیز شناسایی شود. در این بخش پلیس و دستگاه قضا و نهادهای امنیتی باید با توجه به آمار جرایم و جنایات موجود، یک اطلس جرم طراحی کنند و مناطق جغرافیای جرم‌خیز را معین می‌کنند تا بتوان پیشگیری‌های وضعی و اجتماعی را در آن انجام داد. علاوه بر آن با بررسی ساختار نهاد و سازمان‌های عمومی و خصوصی، بسترهای فسادزا نیز معین می‌شود و اگر لازم به اصلاح قوانین و مقررات باشد، با کمک مراجع تقنینی، قوانین و مقررات را اصلاح کنند یا اگر لازم است ساختارها را اصلاح کند با کمک نهاد متولی مربوطه، ساختارها را اصلاح کنند تا زمینه تحقق جرم از بین برود.